

بسم الله الرحمن الرحيم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ

موضوع:

حکومت و اختلافات قبیله‌ای اعراب در خراسان
نقش آن در انقراض دولت بنی امیه

استاد راهنما: دکتر نگین یآوری استاد مشاور: دکتر وهاب ولی

تحقیق: جمشید نوروزی

بهمن ماه ۱۳۷۳

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۱۲	۱- نگاهی به منابع
۲۸	۲- واژه و حدود خراسان
۳۴	۳- قبائل عرب
۳۵	۴- ۱. تقسیمات قبیله ای اعراب
۴۵	۴- ۲. خصوصیات اقلیمی و اجتماعی اعراب
۵۰	۴- فتح خراسان
۶۳	۵- حکام خراسان
۱۷۹	۶- اختلافات قبیله ای اعراب
۲۰۱	۷- مهاجرت قبائل عرب به خراسان
۲۲۰	۸- اختلافات قبیله ای اعراب در خراسان
۲۷۹	نتیجه گیری
۲۸۹	فهرست منابع

مقدمه

ساختار سیاسی، اجتماعی و مذهبی ایران در پی فتوحات اعراب، در قرن اول هجری، دستخوش تحولات بنیانی شد. سلطه سیاسی و نظامی اعراب عواقب اجتماعی و فرهنگی عدیده‌ای به همراه داشت. از جمله مسائل حائز اهمیت در تاریخ ایران بعد از اسلام نقل و انتقالات اعراب به ایران و پیامدهای حاصله از آن است. در تواریخ مضبوط است که عسکریان عرب، در ابتداء، تمایلی به همنشینی و اختلاط با مردمان مغلوب بروز نمی‌دادند و بجای سکونت در شهرها، در امصاری که خود بنیان‌گذار آن بودند و معمولاً در حاشیه شهرهای مهم ایجاد می‌شده سکنی می‌گزیدند. برخی از این امصار بنوبه خود و با گذشت ایام در زمره مدن معروف جهان اسلام درآمدند. کوفه، بصره - که بعنوان دو پایگاه نظامی جهت حمله به ایران ساخته شد - از این جمله است. سیاست عدم اختلاط با بومیان، اما، از عمر کوتاهی برخوردار بود. در عراق و غرب ایران، که به مراکز فرماندهی اعراب نزدیکتر بود، روند مسلمان شدن جامعه و مسئولی شدن اعراب بر کلیه مظاهر آن به سرعت انجام پذیرفت. اما در نواحی دوردست -- و خراسان که مد نظر ماست -- این پیشروی به کندی و بطور پراکنده انجام می‌گرفت. فتح اکثر شهرهای این مناطق چندین بار تکرار شد و تا آخر حکومت بنی‌امیه و اوائل دوره عباسی نیز شاهد اغتشاشات و شورش‌های مکرر در آنجا هستیم. شاید بتوان نقش کوفه و بصره در پرورش نهضت‌های علوی و ضد اموی، در نیمه دوم قرن اول هجری، را با ظهور خراسان در سال‌های بعد -- بعنوان مرکز تجمع ناراضیان و مخالفان دولت -- مقایسه نمود. فتح خراسان که از عراق (بصره و کوفه) هدایت می‌شد -- و در باب زمان و جزئیات آن، همانطور که خواهیم آورد اختلاف نظر هست -- از بدو ورود اعراب به ایران بخشی از سیاست کلی آنان برای این مملکت بود. اهمیت خراسان بعنوان شرقی‌ترین سرحد دولت مغلوب ساسانی، و یکی از حاصلخیزترین نقاط ایران بر اعراب معلوم بود. و آنچه در اینجا مورد نظر ماست: فاصله زیاد خراسان با مقر حکومت اعراب و ویژگی موقعیت جغرافیائی آن -- که همانطور که می‌دانیم در عهد شاهان قبل از اسلام نیز مقر درگیری‌های متعدد آنان با ترکان و قبائل آسیای میانه و مرکز شورش‌های ضد دولت بود -- موجب آن شد که نه تنها نحوه و چگونگی فتح آن با سایر بلاد ایران متفاوت باشد، بلکه ساختار اجتماع اسلامی آن نیز بعزت استمرار قدرت نزد دهاقین و زمامداران محلی، مهاجرت اعراب و بالاخره نقش آن در تدارک قیام عباسی، که دولت بنی‌امیه را در سال ۱۳۲ هـ ق ساقط نمود، از بقیه قلمرو اسلام متمایز شد.

با توجه به اهمیت شناخت تاریخ خراسان در قرون اولیه اسلام، بایستی یادآور شویم که فهم درست و کامل این دوره منوط به شناخت چگونگی مهاجرت اعراب -- بدان جهت که ارکان جامعه نوپای اسلامی را تشکیل می‌دادند و از پیشینه قبیله‌ای گوناگون و علائق سیاسی مختلف برخوردار بودند -- و پیامدهای آن می‌باشد و تنها از طریق این عمق‌نگری و بررسی دقیق تاریخ آن دوره است که می‌توان رویدادها و قضایای بعدی را درک و تحلیل نماییم.

مهم ترین رویداد در تاریخ قرون اولیه اسلامی ایران عموماً "و در خراسان خصوصاً"، که توجه بیشتر محققین را بخود جلب کرده این نکته است که چگونه و چرا خراسان خاستگاه قیام علیه حکومت اموی گردید و نقش اعراب خراسان در براندازی امویان تا چه حد است و اینکه تا چه پایه می توان برای ایرانیان خراسانی در قیام ابو مسلم نقش و اهمیت قائل شد. آنچه دیدگاه این تحقیق را از پیش کسوتان خود متمایز می نماید دقیقاً در این مبحث نهفته است که برای اشراف یافتن به سیر تاریخی حوادث در خراسان در قرن اول و دوم هجری لازم نیست که به برتری و یا عدم برتری اعراب و ایرانیان در باگیری نهضت عباسی پردازیم بلکه زاویه بررسی علمی حکم می کند که نقش عناصر مختلف تبیین گردد. فهم این پرسش ها نیازمند بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی خراسان در آستانه قیام ابو مسلم است و بدین ترتیب بر آن خواهیم بود که به تحلیل و بررسی تاریخ خراسان و بیان علل حوادث و رویدادهای آن، از فتح آن ایالت تا پیروزی دعوت عباسیان در خراسان پردازیم و از آنجائی که شناخت جایگاه اعراب مهاجر و حکام عرب در این مدت نیازمند پرداختن به چگونگی، چرایی، و... مهاجرت اعراب به خراسان است لذا به شرح ذیل موضوع را دنبال می کنیم:

ذکر این نکته را لازم می دانم، که به لحاظ تداخل موضوعات فصول بعضی از مطالب بناچار در دو یا سه فصل بشکلی آمده است که ضمن آنکه تکراری نیست مکمل فصول بعدی می باشد مثلاً "بسیاری از مطالب مربوط به مهاجرت و اختلافات قبیله ای اعراب در بخش حکام خراسان آمده است.

فصل اول

تحت عنوان: نگاهی به منابع

در این فصل به بحث و بررسی منابع مورد استفاده در این تحقیق پرداخته شده است. خصوصیات عمده منابع دست اول و انواع منابع دست اول مورد بحث و بررسی واقع شده است و به منظور اجتناب از تفصیل کلام و بمنظور آشنائی نسبی خوانندگان محترم تعدادی از منابع دست اول انتخاب و در زمینه محتوا، مطالب، شیوه بیان و روش تاریخ نگاری آنها مطالبی نوشته شده است. لذا ۱۷ کتاب تاریخی عام، ۷ کتاب جغرافیائی و ۹ کتاب تاریخ محلی و ۲ کتاب رجال مورد توجه واقع شده است. برای نگارش این تحقیق از ۱۰۹ منبع فارسی و ۲۱ منبع عربی و ۱۱ منبع انگلیسی و تعدادی از مقالات فارسی استفاده کرده ام.

فصل دوم

تحت عنوان: واژه و حدود خراسان

در این فصل به ذکر روایات مختلف در زمینه معنی واژه خراسان پرداخته شده است و آنگاه حدود جغرافیایی خراسان در قرن اول و دوم (محدود زمانی این تحقیق) مورد توجه قرار

گرفته است و بعلت محدودیت منابع و اطلاعات لازم برای بیان این بخش بناچار با استفاده از کتب جغرافیایی و تاریخی مربوط به دوران ساسانیان و قرون سوم و چهارم هجری به بعد سعی شده است حدود تقریبی برای خراسان پیدانمائیم و آنچه بعنوان نتیجه گیری بخش حدود در صفحه آخر این فصل آورده‌ام با نقشه‌های پیوستی فصل دوم مقایسه و حدود تقریبی خراسان استخراج می‌گردد. جهت اینکه این فصل در حکم مقدمه‌ای برای ورود به بحث اصلی است آنرا مختصر بیان کرده‌ام. بعلاوه اینکه تاکنون مورخین و محققین در حدود جغرافیائی خراسان در قرن اول و دوم توافق ندارند. و این عدم توافق بیانگر وجود موانع جدی بر سر راه تحقیق و استخراج نتایج مشخص است. با این وجود از میان اطلاعات مندرج در منابع تاریخی (علی رغم تناقض روایات موجود) تا حدودی حدود و ثغور خراسان در دوره مورد بحث روشن شده است.

فصل سوم

تحت عنوان: قبائل عرب و خصوصیات اقلیمی و اجتماعی آنان

پس از ذکر حدود خراسان و قبل از پرداختن به اوضاع سیاسی خراسان، مهاجرت و اختلافات قبیله‌ای اعراب در خراسان، از جهت فراهم نمودن مقدمات لازم برای پرداختن به موضوع مهاجرت و قبائل عرب در خراسان لازم دانستم به ذکر مختصری در خصوص قبائل عرب، انساب اعراب و تقسیم بندی‌های رایج برای توضیح قبایل عرب چون قحطانی و عدنانی و یا اعراب بائده و باقیه و بدنبال آن به بیان خصوصیات اقلیمی و اجتماعی اعراب پردازم تا از طریق شناخت و فهم برخی از خصائص اعراب، حوادث مربوط به اختلافات قبیله‌ای اعراب در خراسان (باتوجه به زمینه‌های قبلی) درک گردد. مسائلی چون اهمیت نسب و قبیله در نزد اعراب و چگونگی ایجاد قبایل، دسته‌بندی‌ها و اختلافات قبایل از جمله مباحث این فصل خواهد بود. بررسی نظام قبیله‌ای عرب در محیط زندگی‌اش، عربستان، از این جهت که اعراب مسلمان پس از ورود به خراسان متأثر از آن بوده‌اند لازم بنظر می‌رسد. موضوع مهم مهاجرت قبائل عرب به خراسان از جهت نقش این مهاجرین و اختلافات آنان در به ثمر رسیدن دعوت عباسیان مورد توجه بسیاری از محققان بوده است. ریشه‌یابی این مسئله نیازمند اطلاع نسبی از قبائل عرب، تقسیم بندی‌ها و خصوصیات و ویژگیهای آنان است.

فصل چهارم

تحت عنوان: فتح خراسان

به ذکر مختصر فتح ایران بوسیله اعراب مسلمان از طریق عراق و در زمان سه تن از خلفای راشدین پرداخته است. ایجاد دو مرکز نظامی بصره و کوفه بمنظور فتح منظم و سریع ایران، ترکیب اولیه سپاهیان اسلامی، انگیزه‌های شرکت آنان و فرماندهان اسلامی در لشکرکشی به ایران، سرنوشت آخرین شاه ساسانی بعد از سقوط تیسفون و اینکه چگونه اولین

دسته از لشکریان عرب به رهبری احنف و در زمان خلافت عمر به خراسان رسیدند و یزدگرد را مورد تعقیب قرار دادند. برخورد دهاقین ایرانی خراسان و همسایگان شمالی ایران (ترکان و چینیان) با یزدگرد و اعراب فاتح از جهت درک زمینه های نفوذ و استیلای اعراب در خراسان و شناخت موانع این فتح و غلبه مورد مطالعه و بررسی واقع شده است. همکاری دهاقین خراسان شانس خوبی برای تازه واردان بود که با استفاده از آن خود را در زمین دشمن مستقر نمایند ولی منفعت طلبی این دهقانان و وجود عناصر فرماندهی وابسته به ساسانی از جمله حضور یزدگرد در شرق باعث بهم خوردن اوضاع خراسان در زمان خلافت عثمان شد که خلیفه برای برقراری نظم و امنیت و از بین بردن خطرات و موانع غلبه اعراب، تدارک یک لشکرکشی قوی را دید و سرانجام با قتل یزدگرد (احتمالاً) در نتیجه یک توطئه مشترک دهقانان مرو و اعراب) و ورود لشکریان تازه وارد به رهبری عبدالله بن عامر به خراسان بیشتر نقاط آن سرزمین به تصرف اعراب درآمد و بدین ترتیب در راه استقرار استیلای اعراب گام های اساسی برداشته شد و بعد از این خلیفه می توانست با اطمینان بیشتری خراسان را جزء قلمرو خود بداند. حضور دائمی تعدادی از نیروهای عرب در خراسان این اطمینان را بیشتر می کرد. چگونگی انعقاد پیمان های صلح با دهقانان و تعیین میزان خراج و جزیه و تسلیم شدن شهرهای خراسان به صلح و جنگ از دیگر مباحث مطروحه در این فصل است. خلاصه آنکه تحکیم نسبی دولت اسلامی و توسعه آن بسمت ایران منجر به لشکرکشی های متعدد اعراب به شرق ایران و خراسان گردید. و با وجود اختلافات نظرهای موجود در خصوص زمان لشکرکشی ها می توان دوران حکومت عثمان را بعنوان زمان فتح قسمت اعظم جنوب و غرب خراسان در نظر گرفت.

توفیق این حملات و استقرار دست آوردهای آن بستگی به اقتدار حکومت خلیفه، والی عراق و حاکم خراسان داشت. البته نقش عوامل خارجی چون ترکان و قیام های مقطعی حکام و دهقانان محلی ایران را نیز بایستی در نظر داشت.

فصل پنجم

تحت عنوان: حکام خراسان

پس از برقراری امنیت فاتحان عرب در ایران و تصرف بیشتر نقاط خراسان در زمان خلافت عثمان و به رهبری عبدالله بن عامر بحث را تحت این عنوان دنبال می کنیم. قلت اطلاعات مندرج در منابع و پراکندگی مطالب آنها، بیان مطلب را مشکل می نماید، می بایست اطلاعات مندرج در منابع را مقایسه، ارزیابی و بررسی دقیق نمائیم تا از این طریق ترتیب عزل و نصب حکام، دلایل نصب و عزل آنان، عمده اقدامات انجام شده بوسیله آنان را دریابیم. باین شیوه برای اول بار به ذکر تمامی حکام خراسان در زمان بنی امیه پرداخته شده است و با استفاده از تعداد زیادی از منابع موجود، حدود ۴۰ حاکم را مورد توجه و بررسی قرار داده ایم.

مسائل داخلی مطروحه در زمان حکومت هریک از این حکام چون اختلافات قبیله ای مستمر و روزافزون، روابط اداری و حکومتی حکام با والیان عراق و خلفا، تأثیر مسائل حکومتی

وداخلی عراق و مرکز خلافت بر خراسان و به عکس، سیاست داخلی و خارجی آنان، انگیزه های موجود برای تصاحب حکومت خراسان، لشکرکشی های مداوم انجام شده در حدود خراسان بمنظور دفع دشمنان خارجی یا سرکوب دشمنان داخلی مورد توجه واقع شده است. اعزام لشکریان به خراسان و اسکان بسیاری از آنها در خراسان نیز مورد مطالعه و ذکر است.

بدین ترتیب از اوضاع سیاسی و نظامی ایالت خراسان از سال ۳۲ تا ۱۳۱ بمنظور درک تحولات اجتماعی خراسان و چگونگی ایجاد و زمینه های فراهم آمده برای دعوت عباسیان و پیروزی آنان در خراسان، صحبت می شود. به دلیل ارتباط تنگاتنگ بین عراق، خراسان و مرکز خلافت اسلامی می توان گفت که اوضاع سیاسی خراسان در ارتباط با عراق و مرکز خلافت مورد بررسی واقع شده است تا از این طریق حوادث و اوضاع خراسان مفهوم تر گردد.

بعد از فتح اولیه خراسان در زمان عثمان با وجود اختلافاتی که بر سر خلافت در می گرفت همواره حکامی از طرف خلیفه یا والی عراق به خراسان اعزام می گردیدند بیان چگونگی عزل و نصب، بقدرت رسیدن و عملکرد این حکام در زمانهای مختلف از جهت اطلاع از اوضاع سیاسی و نظامی و تاحدی اجتماعی خراسان در دوران بنی امیه حائز اهمیت است فتوحات اعراب در شرق، شمال خراسان در بخشی که به حکام اختصاص یافته مورد بحث قرار گرفته است. حکام خراسان از یکسو با دشمنان مرزی و شورشیان ایرانی درگیری داشتند و از سوی دیگر به وجوه نارضایتی اعراب ساکن آن منطقه می پرداختند. در اواخر حکومت بنی امیه حکام خراسان مشغله دیگری پیدا کردند و آن انتقال اختلافات قبیله ای اعراب به خراسان بود.

فصل ششم

تحت عنوان: اختلافات قبیله ای عرب

در ادامه بیان خصوصیات اجتماعی و اقلیمی اعراب به بیان یکی از ویژگی های عمده اعراب بعد از اسلام خواهیم پرداخت. اختلافات قبیله ای اعراب بعد از اسلام، به دنبال وفات پیامبر (ص) با بروز اختلافات بر سر خلافت مطرح و با گذشت زمان و بخصوص پس از مرگ معاویه بیشتر شد نحوه انتخاب خلیفه اسلامی و ادامه اختلافات بر سر حکومت اسلامی و... منجر به بروز اختلافات در بین امت اسلامی شد که با پیش آمدن عواملی دیگر از جمله منفعت طلبی و دور افتادن از دستورات اسلامی این اختلافات عمیق تر و ریشه دارتر شد بشکلی که بعد از مدتی بصورت یکی از خصائص و ویژگی های انکارناپذیر جامعه اسلامی درآمد. و بدین ترتیب زحمات پیامبر (ص) در راه از بین بردن اختلافات قبیله ای و ایجاد وحدت اعراب از بین رفت و آنان به مرور زمان درگیر جنگ های قبیله ای شدند که نتایج زیانباری برای مسلمانان به همراه داشت. در این فصل تاریخچه اختلافات امت اسلامی و دنبال آن قبائل عرب را تا انتقال این اختلافات به خراسان در سال ۶۴ دنبال خواهیم کرد سیاست حکام عراق و خلفای اسلامی در دامن زدن یا کم کردن این اختلافات را خواهیم آورد.

بیان چگونگی بروز اختلافات قبیله ای اعراب بعد از اسلام مستلزم بررسی مختصر

تاریخچه حکومت اسلامی و چگونگی بروز اختلافات و جنگ های خلفا و مدعیان حکومت است. که در این فصل بدان توجه شده است.

اگر تشکیل دولت اسلامی را در تاریخ مطالعه و سیر حیات آن را بررسی نمائیم می بینیم که در هر مرحله اختلافات بگونه ای بوده است ابتدا بین هاشمیان و بنی امیه که بنی امیه پیروز می گردد و آنگاه بین خود بنی امیه شکاف ایجاد می شود. از جمله ویژگی های برجسته اعراب از دیرزمان، اختلافات افسانه ای و تاریخی طوایف، قبایل و دسته جات عرب است. جناح بندیهای کلی و جزئی در تاریخ عرب که بیانگر وجود دائمی این اختلافات است، اختلافاتی که بظاهر فراموش شده بود ولی از همان ابتدای اسلام به صورت مختلف تجلی کرد.

فصل هفتم

تحت عنوان: مهاجرت قبائل عرب به خراسان

روند مهاجرت اعراب به ایران از جمله موضوعات اساسی برای شناخت تاریخ ایران بعد از اسلام خصوصاً "تاریخ خراسان در زمان حکومت بنی امیه است. مبداهای مهاجرت اعراب، مکان های مورد نظر برای اسکان اعراب در ایران، دلایل و انگیزه های مهاجرت اعراب، ترکیب مهاجرین به ایران، و خصوصاً "خراسان، زمانها و تعداد مهاجرین به خراسان و اینکه چگونه و چرا اعراب بیشتر از همه در خراسان ساکن شدند را خواهیم آورد. بعلاوه برخوردهای اعراب با ایرانیان، اسکان در بعضی از شهرهای خراسان و تغییرات بعدی در محل های سکونت اعراب را نیز مورد توجه قرار خواهیم داد. اینکه چگونه و چه تعداد از قبایل عرب به خراسان آمدند و موقعیت اجتماعی آنها در خراسان و روابط آنها با دهقانان و دیگر قشرهای بومی خراسان و خودشان را مدنظر قرار خواهیم داد.

اعراب با خصوصیات خاص خود و با قبایل مختلف بعد از فرو ریختن سدهای مرزی ایران و متواری شدن آخرین شاه ساسانی وارد ایران شدند قبل از این در روزگار ساسانی بصورت پراکنده و با تعداد بسیار کمتر به ایران آمده بودند اما اینک آنان بعنوان فاتحین مختار و نیرومند می توانستند به هر کجا که بخواهند بروند اما همه نقاط ایران برای اعراب بطور مساوی پرجاذبه نبود لذا با توجه به عوامل مختلف و به تناسب شرایط اقلیمی مناطق ایران اعراب به تعداد متفاوت و بیشمار به این مناطق مهاجرت کرده اند. آذربایجان، فارس، کرمان، خراسان از جمله مهمترین جاهایی بود که تازیان تازه وارد در آن سکنی می گزیدند. ولی خراسان و شرق ایران از چند جهت برای اعراب کشش بیشتری داشت و لذا است که این مناطق بیشتر پذیرای اعراب شد خراسان آب و هوایی شبیه عربستان داشت. غنائم جنگی و امکان جهاد و ترویج دین در خراسان فراهم بود. خراسان به لحاظ دور بودن از مرکز و موقعیت پهناور اقلیمی مأمن خوبی برای فراریان و مخالفان بود و خلاصه به دلایل زیاد اعراب بعد از مدتی در قالب گروه های بیشمار به خراسان آمدند. اهمیت خراسان به لحاظ هم مرز بودن با ترکان و طخارستان و حمله دشمنان مرزی، همچون ساسانیان، نیز در مهاجرت اعراب مؤثر بود.

فصل هشتم

تحت عنوان: اختلافات قبیله‌ای در بین مهاجران عرب در خراسان

در ادامه بحث چگونگی شروع اختلافات قبیله‌ای در بین امت اسلامی و انتقال آن به خراسان به شرح مفصل این اختلافات در خراسان خواهیم پرداخت چرا که به زعم ما بروز این اختلافات در خراسان بزرگترین ضربه را به اقتدار حکومت بنی امیه وارد آورد و عباسیان با بهره برداری مطلوب از این اختلافات بود که توانستند شبکه دعوت خود را در خراسان گسترش داده و مردمان را بسوی خود جلب نمایند.

اختلافات قبیله‌ای در بین مهاجران عرب در خراسان را در ارتباط تنگاتنگ با حوادث مرکز خلافت و عراق دنبال می‌کنیم ارتباط این اختلافات و رقابت‌ها را با عزل و نصب حکام خراسان و عراق و بعضاً قتل خلفا مورد بررسی قرار می‌دهیم و به نقش خلقت و حکام عراق در حوادث خراسان اشاره خواهیم کرد و به لحاظ اهمیت بحث، این اختلافات را از سال ۶۴ هجری تا پیروزی ابومسلم مرتباً و با اشاره مختصر به بعضی از اعمال حاکمان خراسان دنبال کرده و ارتباط این رقابت‌ها و دسته‌بندی‌ها را با اسکان و محل‌های سکونت اعراب مطرح خواهیم کرد. باتوجه به آنچه که در این فصل آورده‌ایم می‌توان گفت که این اختلافات در خراسان در سال ۶۴ شروع و با وجود توقف در بعضی از مقاطع زمانی رویهم‌رفته و همزمان با عراق و مرکز خلافت و عراق سیر صعودی پیدا کرده و در نقطه اوج خود بطرز غیر قابل انکاری زمینه ساز پیروزی عباسیان گردید.

همزمان با بیان اختلافات قبیله‌ای عرب در خراسان و اوج گرفتن آن به ذکر چگونگی استفاده عباسیان از این زمینه و بهره‌برداری سودمند از آن نیز می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که عامل عمده موفقیت عباسیان در خراسان وجود همین زمینه بود. تأثیر این اختلافات را در اوضاع داخلی و خارجی حکومت بنی امیه در خراسان نیز مد نظر قرار می‌دهیم از این طریق به بررسی شرایط اجتماعی خراسان در اواخر دوره امویان، تشدید اختلافات قبیله‌ای که همراه مهاجرت اقوام عرب به خراسان کشیده شده بود و وجود زمینه‌های قیام در آنجا خواهیم پرداخت و اینکه چگونه عباسیان از این موقعیت به نفع خود استفاده کردند.

در این فصل به این مسئله نیز پرداخته‌ایم که خراسان در نیمه دوم قرن اول هجری شاهد تجمع ناراضیانی بود که عمدتاً از عراق آمده بودند و یا تحت تأثیر حوادث عراق از حکومت بنی امیه ناخشنود بودند و با وجود جناح‌های مختلف مخالف، رنگ ناراضیاتی‌ها بطور عام طرفداری از خاندان پیامبر بطور عام بود و عده‌ای زیاد از مخالفان می‌پنداشتند چنانچه حکومت غاصب بنی امیه ساقط گردد و یکی از خاندان پیامبر قدرت و حکومت را در دست گیرد و ستم و ستم‌دربلاد اسلام از بین خواهد رفت، یکی از جناح‌های سیاسی مخالف عباسیان بودند، که رهبری سیاسی و نظامی جنبش آنان بر علیه امویان را ابو مسلم عهده‌دار شد.

فصل اول

نگاهی به منابع

مطالعه و تحقیق علمی در زمینه تاریخ از طریق مراجعه به منابع امکانپذیر است. منابع و مآخذ تاریخ را به اشکال مختلف تقسیم بندی کرده‌اند. چون دست اول و دست دوم. به علت محدودیت زمانی امکان مراجعه به تمام منابع و مآخذ فراهم نشد لیکن سعی بر آن شده است تا حتی الامکان از بیشترین منابع قابل دسترس استفاده گردد. بر مبنای استفاده‌ای که در این تحقیق از منابع داشته‌ام در اینجا بمنظور آشنایی با منابع مورد استفاده بشکل زیر منابع را تقسیم بندی می‌نمائیم:

الف - منابع دست اول:

- ۱- کتب تاریخی عام
- ۲- کتب تاریخی محلی
- ۳- کتب جغرافیایی

ب - منابع دست دوم:

- ۱- کتب فارسی
- ۲- کتب عربی
- ۳- کتب انگلیسی
- ۴- مقالات

* در توضیح مشخصات منابع فقط منابع دست اول را منظور داشته‌ام و بعلت کثرت منابع و پرهیز از طولانی شدن این مبحث به توضیح عمده ترین منابع دست اول اکتفا شده است. قبل از توضیح و بیان ویژگیهای منابع مورد نظر در این تحقیق لازم می‌دانم چند نکته را یادآوری نمایم:

۱- در زمینه فتوحات اعراب و حکومت آنان در ایران اکثریت منابع موجود از دیدگاه خود اعراب و فاتحان نوشته شده است و لذا بایستی به هنگام استفاده از این منابع دقت کافی بخرج دهیم و یک جانبه بودن نسبی مطالب را مدنظر قرار دهیم.^(۱)

۲- اکثریت مطلق کتب فوق بزبان عربی نوشته شده‌اند. زیرا زبان نوشتاری مسلمانان عربی بوده است و از قرن چهارم هجری به بعد بتدریج زبان فارسی، زبان نوشتاری بعضی از کتب در شرق

۱- برتولد اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴)، ج ۱، ص ۱۴-۱۵ و ۴۳. ونیز / و. و. برتولد، ترکستان نامه، کریم کشاورز (تهران: آگاه، ۱۳۶۶)، ج ۱، ص ۳۴.

جهان اسلام گردید.^(۱)

۳- در تألیف و تدوین اخبار و تواریخ به شیوه جامعان و حافظان حدیث در ضبط الفاظ و اسناد و در ذکر رواه و وسائط نهایت دقت و اهتمام را داشته‌اند و اغلب فاقد شیوه انتقادی هستند.^(۲)

از جمله مأخذ قدیم برای تاریخ و ترتیب فتوح اسلام در ایران - روایات کتب فتوح و مغازی است که از همان اوائل اسلام به جمع آن روایات اهتمام ورزیده‌اند و در دوره امویان و در قرن دوم هجری کسانی با علاقه اخبار و روایات فتوح را تدوین می‌کرده‌اند، بیشتر ارباب مغازی و فتوح از موالی بوده‌اند و کتابهایی که در اوایل دوره عباسیان درباره فتوح بوسیله افرادی چون واقدی و بلاذری تدوین شده است تاحدی بر روایات همین ارباب مغازی و فتوح استوار بوده است. روایات قدیم محلی و ایرانی راجع به فتوحات اعراب اکنون در دست نیست و مطالب اندکی که در کتابهای بیرونی ثعالبی و فرووسی آمده است رنگ شعوبیت دارد. روایات اعراب هم راجع به فتوح از نفوذ عصبیت های قومی طوایف عرب و اختلافات و روابط دیرینه آنها برکنار نمانده است. مع هذا همین روایات یگانه مأخذ تألیفات کسانی بوده است که در قرون بعد به تدوین تواریخ راجع به فتوحات پرداخته‌اند. کتابهایی که جامع این گونه روایات بوده است و در قرون دوم و سوم نوشته شده است غالبا "از بین رفته است و فقط بعضی از مطالب آنها در کتب مورخین بعد آمده است.^(۳)

۱- ابو عمرو خلیفه بن خیاط ابن ابی هییره، خلیفه بن خیاط اللیثی العصفری ملقب به شباب در بصره بزرگ شد، جدش از اهل حدیث بوده است. خلیفه بن خیاط در اوج حرکت معتزله، در خلافت مأمون و معتصم، در بصره می زیسته و با معتزله مخالف بوده است و به همین دلیل معتصم او را دشمن می داشته، چون معتصم به معتزله معتقد بوده است. خلیفه بن خیاط در علم حدیث از ثقات حساب میشود. تولدش در سال ۱۶۰ هجری و مرگش در ۲۴۰ بوده است. در کتاب الفهرست ابن ندیم آمده است که ۵ کتاب داشته است از جمله طبقات قراء و طبقات. کتاب مهم او در زمینه تاریخ به کوشش دکتر اکرم ضیاء العمری، استاد دانشگاه بغداد، به چاپ رسیده است و قدیمترین تاریخی است که بدست ما رسیده است این منبع معتبر و مختصر به زبان عربی نوشته شده است.^(۴)

۲- از حیث دقت و اعتماد و به تحریر و بیان مطالب دو کتاب بلاذری (وفات ۲۷۹ هـ. ق بنام های «فتوح البلدان» و «انساب الاشراف» در رأس تمام کتابهای تاریخی مربوط به نخستین زمان اسلامی ایران واقع است. بلاذری از لحاظ طرز تنظیم مواد کاملاً "در زمره سنت علمی عرب

۱- اسپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ص ۱۹ و نیز/ بارتولد، ترکستان نامه، کریم کشاورز، ص ۳۴.

۲- عبدالحسین زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳) ص ۲۰ و ۲۵.

۳- همان مأخذ، ص ۲۱ و ۲۲.

۴- خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، به کوشش اکرم ضیاء العمری (بغداد: جامعه بغداد، بی تا) مقدمه.

ی (ذکر جزء جزء تعداد زیادی از وقایع با ذکر شواهد وبدون تلاش برای تلفیق یا تلخیص آنها وبدون تلاش برای یافتن علل تضادهای موجود وایجاد تعادل بین آنها) قرار دارد.

هیچ کتابی بهتر از فتوح البلدان در مورد فتوحات مسلمانان نشان نداریم . این کتاب برطبق کشورگشایی نیروی اسلامی بدوا" از نظر جغرافیایی وبعدا" ضمن هریکشی از نظر زمانی مرتب گشته است . (۱)

از میان منابع بلاذری که طبری ظاهرا" ، مورد استفاده قرار نداده آثار ابو عبیده (معمر بن المثنی التمیمی متوفی بین سالهای ۲۰۷ و ۲۱۱ هجری . ق) که از بهترین آشنایان به تاریخ عرب شمرده می شده ، مثلاً" ابو عبیده برخلاف دیگر منابع از روی یقین می گوید که نخستین لشکرکشی اعراب به آن سوی آمودریا (جیحون) در زمان خلیفه عثمان و عبدالله بن عامر امیر خراسان صورت گرفته بوده و منابع چینی هم لشکرکشی اعراب در سالهای ۳۰ و ۳۵ هجری را به حدود سمرقند تأیید می کنند . (۲)

فتوح البلدان برحسب بلاد مختلف تنظیم شده و تاریخ این بلاد را از نخستین زمانهای توجه مسلمانان به گشودن و تصرف هریک از آنها آغاز کرده وغالبا" تا عصر خویش ادامه داده است . مؤلف فتوح البلدان روایت های مختلفی را که استماع نموده مورد سنجش و ارزیابی قرار داده و یک کل بدست داده است و در مواردی که یک روایت را کافی می دانسته است عینا" نقل کرده و حتی در جاهایی صور مختلف یک روایت را تماما" آورده است و در ارائه مطالب بیشتر به اختصار روی آورده است . بعلاوه بلاذری اندیشه نقادانه داشته است .

فتوح البلدان به وقایع نگاری و ذکر حالات بزرگان اکتفا نکرده بلکه از آغاز تا به انجام مسائل بسیار دیگری را در زمینه حیات اجتماعی و اقتصادی و اداری جهان اسلام مورد بحث قرار داده است . فتوح البلدان به لحاظ دربرداشتن اطلاعات جغرافیایی تاریخی یک اثر جغرافیایی نیز بحساب می آید . (۳)

۳- انساب الاشراف یک اثر عظیم در زمینه تاریخ و زندگی نامه است که حجم کلی آن حدود تاریخ طبری برآورد شده است . مطالب کتاب برحسب طوایف و خاندانهای مشهور تقسیم شده است و در هر بخش فصول جداگانه ای به بزرگترین نمایندگان هر طایفه و خاندان اختصاص یافته و سپس اولاد و بستگان ایشان بدنبال آمده اند ، و برحسب درجه اهمیت صفحاتی کم یا زیاد برای هریک منظور شده است . این کتاب در قالب انساب به تاریخ نیز می پردازد . این کتاب به عنوان مهمترین منبع تاریخ دوران بنی امیه است و ۴۰٪ حجم کتاب راجع به بنی امیه است . (۴)

انساب الاشراف بلاذری که به بحث از اشراف عرب می پردازد حاوی اطلاعات اندکی

۱- اشپولر ، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ، ص ۲۱ .

۲- بارتولد ، ترکستان نامه ، ص ۴۲ و ۴۳ .

۳- احمد بن یحیی بن جابر بلاذری ، فتوح البلدان ، ترجمه محمد توکل (تهران : نشر نقره ، ۱۳۶۷ هـ . ش) ، ص ۴۳- ۳۳ .

۴- بلاذری ، فتوح البلدان ، توکل ، مقدمه ، ص ۲۸ و ۲۹ .

در مورد ایران است. (۱)

۴- از جمله کهن ترین تاریخ عمومی که به زبان عربی باقیمانده است تاریخ یعقوبی است که تاریخ اسلام را تا حدود سنه ۲۵۲ هـ.ق. ذکر کرده است. (۲)
جزء اول کتاب تاریخ یعقوبی در تاریخ عمومی قبل از اسلام و جزء دوم در تاریخ اسلام تا خلافت معتمد عباسی است. (۳)

تاریخ عمومی یعقوبی هیچ وجه مشترکی با طبری و منابع وی ندارد و به گروه دیگری که مسعودی و دیگران را نیز بدان منسوب توان کرد تعلق دارد. باین حال یعقوبی در تنظیم تاریخ خراسان از منبع اصلی طبری، یعنی تألیفات مدائنی، استفاده کرده، مع هذا گاه در اثر وی جزئیات جالب توجهی یافت می شود که در تألیف طبری وجود ندارد. (۴)

۵- ابوحنیفه احمد بن داود دینوری در انواع علوم و فنون متداول عصر خود صاحب نظر بوده و کتاب نوشته این ندیم ۱۵ جلد کتاب برای او برمی شمارد از جمله کتابهای او کتاب اخبار الطوال محتوی مطالبی در سه بخش است

۱- بخش نخست شامل مطالبی در مورد آدم و فرزندان نخستین او و پیامبرانی چون ادریس و نوح و مطالب ابوحنیفه در این بخش از لحاظ زمانی و از لحاظ مکانی پیوسته نیست.
۲- بخش دوم که آمیخته با بخش اول است شرح حال و سرگذشت پادشاهان ایران و روم و یمن است.

۳- بخش سوم که تاریخ اسلام است و با پیکارهای اعراب و ایرانیان در زمان عمر شروع و به پایان خلافت معتمد یعنی سال ۲۲۷ هـ.ق ختم می شود جنگ های اعراب و ایرانیان را تا سقوط ایران مفصل نوشته است. درباره جنگ های علی (ع) مفصل سخن گفته حکومت بنی امیه و انقراض آن را نیز بحث و بررسی کرده است. در نقل مطالب خود غالباً از ذکر نام کتاب و سلسله اسناد خودداری کرده است. (۵)

۶- اخبار الدولة العباسية یا کتاب العباس از دیگر منابع معتبر است. اعتبار کتاب بدان پایه است که موجب باز نویسی نهضت عباسیان شده است. نسخه خطی کتاب در سال ۱۹۶۰ بوسیله یکی از محققان روسی کشف و در دو قسمت چاپ گردیده است. بعدها کل کتاب در عراق پیدا شده است و عبدالعزیز دوری و فاروق عمر کل متن کتاب را چاپ کرده است. در تعیین السم آن هنوز اختلاف است. محتوای کتاب از ابتدای تاریخ اسلام تا آخر حکومت بنی امیه را شامل

۱- اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص ۲۲.

۲- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۶.

۳- احمد بن ابی یعقوب بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶) ج ۱، مقدمه مترجم.

۴- بارتولد، ترکستان نامه، ص ۴۳ و ۴۴. ونیز / اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص ۲۹.

۵- ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی (تهران: نشر نی، ۱۳۶۸) مقدمه مترجم.

میشود قسمتی که اهمیت اصلی دارد به تاریخ خانواده عباسی می پردازد. روند بقدرت رسیدن عباسیان، ساختار دعوت عباسی، عملکرد آن و بیان جزئیات زیاد راجع به جنگ‌های ارتش عباسی به رهبری قحطبه از جمله مطالب کتاب است. مؤلف از کتاب‌های ابومخنف، عوانه، هیشم بن عدی، مصعب بن زبیر و بلاذری استفاده کرده است. نویسنده در قرن سوم می زیسته است. دوری احتمال می دهد که محمد بن صالح بن النطاح اسم نویسنده است. این کتاب بیانگر تاریخ نگاری عباسیان بعد از به قدرت رسیدن آنان است. کتاب‌های بعدی، از جمله تاریخ قم، از این کتاب استفاده کرده‌اند.^(۱)

۷- الاغلاق النفیسه ابن رسته در باب جغرافیا و تاریخ کتابی است سخت گرانها، تنها کتابی است که به وجود دین‌های کهن ایرانی در میان قبائل عرب جاهلی اشاره صریح دارد.^(۲) اثر پر ارزش او در هفت مجلد بوده است. ولی اکنون فقط قسمت هفتم آن باقی مانده است. ظاهراً کتاب وی بسال ۳۱۰ هـ ق یا ۲۹۰ هـ ق تألیف شده است. منبع اساسی کتاب ابن رسته، کتاب جغرافیای جیهانی بوده است.

بنظر می‌رسد که غرض این رسته از نوشتن این کتاب فراهم آوردن اطلاعاتی از تمام جهان آن روز بوده است. چون علاوه بر توصیف بلاد اسلامی، سرزمینهای خارج از جهان اسلام نیز توصیف کرده است.

باتوجه به تنوع و فراوانی اطلاعاتی که در کتاب وی آمده است می‌توان آن را دائرةالمعارف کوچکی از علوم جغرافیا و تاریخ بشمار آورد. اطلاعات خوبی در خصوص راههای خراسان و احوال بلاد آن در این کتاب است.

۸- تاریخ الرسل والملوک، مشهور به تاریخ طبری، که تألیف آن در اوایل قرن چهارم (۳۰۲ هـ ق) پایان یافته است و مهمترین و مشهورترین مجموعه مفصل تاریخ عمومی اسلام است که بزبان عربی نوشته شده است. قدمت تألیف و مزایای علمی و اجتماعی مؤلف آن را یکی از معتبرترین مراجع تاریخ اسلام تا عصر تألیف قرار داده است. در تألیف این کتاب جامع، غرض عمده طبری در واقع آن بوده است که جمیع اطلاعات مهم مسلمین را در باب تاریخ جمع و ضبط کند و چون غالباً در صحت و سقم مأخذ روایات تعمقی نکرده، همواره عین روایات را نقل کرده است. کتاب مهم و عظیم او با وجود جامعیت و وسعت از حیث ارزش و اعتبار محتویات و مندرجات همه جا مورد قبول نیست و فاقد روح نقادی لازم است. و هرچه حوادث به عصر حیات مؤلف نزدیکتر می‌گردد به علت پیری مؤلف کتاب جامعیت و تفصیل قبلی خود را از دست

۱- اخبارالدولة العباسية، به کوشش عبدالعزیز دوری و عبدالجبار المطلیبی (بیروت: دار لطیعة للطباعة والنشر، ۱۹۷۱) مقدمه.

۲- ابن رسته، الاغلاق النفیسه، ترجمه حسین قره چانلو (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵)، بنقل از دکتر آذرتاش آذرنوش در پیشگفتار کتاب و مقدمه مترجم.

- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۹۵.

می دهد.

تاریخ طبری مأخذ عمده تمام کسانی واقع شده است که بعد از او به تألیف تاریخ اسلام اهتمام کرده اند. زیرا بعد از او همه کسانی که به تألیف کتاب در تاریخ اسلام پرداخته اند یا روایات او را اخذ و اقتباس نموده اند و یا ازجایی که او کتابش را بپایان رسانیده آغاز کرده اند. تاریخ طبری مرجع عمده تاریخ ایران تا اول قرن چهارم هجری است. (۱)

طبری در شرح وقایع و نواحی شرقی غالباً "به نقل از ابوزید (عمر بن شیبی النمیری که در سال ۲۶۲ هجری به سن نودسالگی درگذشته)، به ابوالحسن علی بن محمد مدائنی (وفات در سال ۲۱۵ یا ۲۲۵ هـ ق) اشاره و استناد می کند. مدائنی به گفته خود اعراب درباره تاریخ خراسان و هندوستان و فارس مفصل ترا از دیگران سخن گفته است. (۲)

۹- کتاب الفتوح یا ترجمه تاریخ اعثم کوفی، تألیف ابو محمد احمد بن علی اعثم کوفی الکندی (متوفی ۳۱۴ هـ. ق) به نامهای مختلفی چون فتوحات الشام، الفتوح و تاریخ فتوح نیز نامیده شده است. بنا به قول اکثر محققان و مورخان دوره اسلامی یکی از معتبرترین متون تاریخ اسلام است. اصل کتاب الفتوح که به زبان عربی است و در اوایل قرن چهارم هجری نوشته شده است برای تاریخ قدیم عرب و اسلام - از زمان رحلت پیامبر (ص) تا خلافت هارون (متوفی ۱۹۳ هـ. ق) بویژه در مورد آنچه مربوط است به عراق و فتح خراسان و ارمنستان و آذربایجان و جنگ های اعراب با خزرها و نفوذ و گسترش اسلام در ایران و مردم شرقی منبع مهم و قابل اعتمادی است.

گرچه فتوح البلدان بلاذری جامع ترین شرح پیشرفت سپاهیان عرب در قلمرو سابق ساسانیان است. ابن اعثم در کتاب الفتوح تفصیل بیشتری در خصوص وضع اعراب در بلاد مفتوحه، بویژه در ارمنستان و خراسان، در اختیار خواننده قرار می دهد. و به حوادث داخلی عراق نیز بیشتر از بلاذری توجه دارد. ارائه مطالب بصورت روایت تاریخی مسلسل با استفاده از مأخذ معتبر ارزش زیادی به اثر او داده است.

کتاب ابن اعثم را محمد بن احمد مستوفی هروی در سال ۵۹۶ در خراسان، (بنا به دستور امیر خوارزم و خراسان) به فارسی برگردانده است. (۳)

بزعم اشپولر گزارشات تاریخی ابن اعثم کوفی (وفات ۳۱۴ هـ. ق) درباره ازمنه قدیم اسلامی، خصلت داستان سرایی داشته، فقط با احتیاط باید از آن استفاده نمود. (۴)

۱۰- از مأخذ مهم عربی در تاریخ عهد اسلام کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر است تألیف ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (متوفی ۳۴۶) که در واقع دائرة المعارف

۱- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۶ و ۲۷.

۲- بارتولد، ترکستان نامه، ص ۴۰ و ۴۱.

۳- ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد (تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲) مقدمه.

۴- اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص ۲۳.

تاریخی آن عصر محسوب است. این کتاب چکیده و زبده مطالعات او در تاریخ عمومی اقوام و امم عالم است که اصل آن مطالعات را در کتاب مفصل خود اخبار الزمان و در مختصر آن موسوم به الاوسط آورده بوده است. آن کتاب (جز قسمتی از اخبار الزمان) ظاهراً مفقود گردیده است. مسعودی در آثار مورخین سلف با دیده دقت و انتقاد نظر کرده و اخبار و روایات مختلف را بدون نقد و تعمق نقل نکرده است. وی ذوق جهانگردی داشته است و در سفرهای متعدد خویش با اهل دیانات و مقالات آمیزش و گفت و شنود دانسته است و این همه در آثار او جلوه بارز دارد. اکثر اهل تحقیق او را تحسین کرده‌اند. (۱)

مروج الذهب مسعودی (وفات ۳۴۵ یا ۴۶ هـ. ق) در مرتبط ساختن اخبار تاریخی و جغرافیایی، طریق واحدی نمی‌پیماید و برای ایران - به خصوص از نظر تاریخ فرهنگی - فقط جزئیات معدودی در دسترس ما می‌گذارد که پاره‌ای از آنها نیز از نتایج تجارب سفرهای مؤلف آن می‌باشد و بسیاری از قضایای جالب را به عنوان اینکه باعث تطویل کلام خواهد شد، شرح نمی‌دهد. (۲)

مسعودی مروج الذهب را در سال ۳۳۲ هـ. ق تألیف کرد و در سال ۳۳۶ در آن تجدید نظر نمود. مروج الذهب در ۱۳۲ باب تدوین شده و به دو بخش قبل و بعد از اسلام تقسیم گشته است. بخش نخست از خلقت جهان و توصیف زمین و ذکر سرزمینها و دریاها و رودها و کوه‌ها آغاز می‌شود و تاریخ انبیاء و اخبار ملت‌ها را از یهود و مسیحی و هندی و ایرانی و عرب و... باز می‌گوید و بخش دوم از ولات پیامبر (ص) آغاز می‌گردد و تاریخ بعثت و هجرت و خلفای راشدین، اموی عباسی را تا سال ۳۳۶ بیان می‌کند. شیوایی بیان و قدرت توصیف ارزش زیادی به این کتاب تاریخی داده است. (۳)

۱۱- کتاب التنبیه والاشراف آخرین اثر مسعودی و اوج کار اوست. این اثر را به مثابه زیباترین و کوتاهترین آواز مسعودی قبل از مرگش داشته‌اند و با اتمام تألیف این اثر در سال ۳۴۵ هـ. ق وفات می‌کند.

التنبیه والاشراف یکی از کتب مهم تاریخی است که در نیمه اول قرن چهارم هجری تألیف یافته است. مسعودی که جهانگردی تیزبین و مورخی چیره دست است حاصل مطالعات و نتیجه جهانگردی خود را همراه با تعمقی که در شیوه فکر و زندگی اقوام کرده در این کتاب به رشته تحریر درآورده است. این کتاب از این جهت که شامل روایات و داستانهای ملل قدیم از جمله ایرانیان است و اطلاعات کمیاب از حضائص زندگی این اقوام بدست می‌دهد از منابع معتبر تاریخ و اساطیر سلف و مطالعات شرقی به شمار است و به نزد خاورشناسان اعتبار حرمتی بسزا دارد و از مهمترین منابع تاریخ ایران باستان خاصه ایران دوره ساسانی و هم چنین تاریخ صدر اسلام

۱- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۸.

۲- اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص ۳۰.

۳- ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: علمی و فرهنگی ۱۳۷۰) ج ۱، پیشگفتار ناشر.

وقرون اولیه اسلامی محسوب می شود. (۱)

۱۲- کتاب مختصر امامفید حمزه اصفهانی (متوفی ۳۶۰) بنام تاریخ سنی ملوک الارض والانبیاء، به جهت اشمال بر معلومات سودمند در باب تاریخ خراسان و طبرستان در تحقیق تاریخ ایران بعد از اسلام اهمیت دارد. (۲)

حمزه اصفهانی مثل دینوری مخالف یک جانبه عربها نبوده است. وی در مورد پادشاهان قدیم ایران اطلاعات زیادی می دهد. آگاهی ملی و عشق به ایران در کتابش به چشم می خورد. (۳)

۱۳- کتاب البدء والتاریخ، تألیف مطهر بن طاهر المقدسی که در حدود سنه ۳۵۵ تألیف یافته است و از بعضی جهات به کتب مسعودی شباهت دارد در تاریخ فتوح عرب و اخبار خلفاء از آن فواید مهم بدست می آید. (۴)

۱۴- تاریخ بلعمی فارسی ترجمه خلاصه ماندنی است که ابوعلی بلعمی وزیر منصور بن نوح (۳۶۶-۳۵۰) از این کتاب پرداخته است و از روایات مختلف آن غالباً یکی را برگزیده و از آن نیز اسناد را حذف کرده است. (۵)

۱۵- کتاب غرر السیر نوشته ابو منصور حسین بن محمد المرغنی الثعالبی (۳۵۰-۴۲۹) است. کتاب ثعالبی در چهار جلد بوده است. فقط دو جلد، که شامل تاریخ قبل از اسلام ایران و تاریخ حیات پیغمبر اسلام است، باقی مانده است. در صورتیکه این کتاب تاریخ سلاطین اسلامی را تا عهد محمود غزنوی شامل بوده است. مولف در فهرستی که از مندرجات کتاب خود می دهد می گوید تاریخ پادشاهان ایران از کیومرث تا یزدگرد شهریار و سپس تاریخ انبیاء و فراعنه مصر و ملوک حمیر و عرب و روم و هند و ترک و چین را و بعد از آن تاریخ پیامبر اسلام و خلفای راشدین و بنی امیه و عباسیان و ابومسلم و برامکه و طاهریان و صفاریان و سامانیان و آل بویه و آل حمدان و غزنویان را در بر دارد. (۶)

کتاب ثعالبی (نوشته ۴۱۲ هـ. ق) مستقل وبری از تقلید روایات دیگران بوده و بدین علت برای استنباطات واقعی علمی هنوز مایه امید زیادی می باشد و حتی می کوشد، گزارش

۱- ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، التنبیه والاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹) بنقل از مندرجات پشت جلد.

۲- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۸.

۳- اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص ۲۹ و ۳۰.

۴- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۸ و ۲۹.

۵- همان مأخذ، ص ۲۷ و نیز/ اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص ۲۵.

۶- ابی منصور ثعالبی، تاریخ غرر السیر المعروف به کتاب غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم (تهران: مکتبه الأُسدی، ۱۹۶۳) دیباچه مجتبی مینوی بر کتاب. و نیز/ زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۹.

های تاریخی را با ذکر علل آنها مسغول سازد و از نظر روانی به آنها عمقی به بخشد. (۱)

۱۶- کتاب زین الاخبار از ابو سعید عبدالحی ابن ضحاک بن محمود گردیزی، چه از حیث روش فارسی نویسی بسیار بلند و بسیار ساده و روان، و چه از حیث نکات تاریخی که در هیچ کتاب دیگر نیست، برای ایرانیان بیش از هر تاریخ نامه دیگری اهمیت دارد زین الاخبار را مؤلف به پادشاهی عبدالرشید ابن مسعود غزنوی (۴۱-۴۴۴) پایان رسانیده است. این کتاب شامل تاریخ عمومی جهان به مصداق آنروزست. از زمان آفرینش جهان تا روزگار مؤلف، شامل تاریخ داستانی ایران و اشکانیان و اسکندر و ساسانیان و سیرت رسول و خلفا و اخبار امرای خراسان تا زمان مؤلف ابوعلی سلامی بیهقی نیشابوری (مستوفی ۳۰۰ هـ. ق) کتابی داشته است بنام "التاریخ فی اخبار ولایة خراسان" که در برخی از کتابها از آن بسیار نقل کرده اند، و یکی از مهم ترین مراجع مورخان بعد بوده و اینک در میان نیست، بنظر می رسد که فصل مخصوص امرای خراسان را که شامل مطالب بسیار دقیق و بسیار تازه است، گردیزی از آن کتاب سلامی گرفته باشد. (۲)

۱۷- ابن اثیر (وفات ۶۳۰ هـ. ق) وقایع را تا سال ۶۲۸ هجری نوشته، مؤلف با انصافی عظیم و ششم انتقادی که در آن عهد از نوادر بوده از هر جا برای تألیف خویش مدارک و مطالب گرد آورده و در مواردی که دچار اشکال شده و نمی دانسته کدام یک از دو متن متغایر المضمون را ترجیح دهد، هر دو گفته را آورده است. اثر وی فقط وقایع نگاری و شرح روی دادهای خارجی نیست بلکه ابن اثیر تا آنجا که حدود تألیف اجازه داده مارا با افکار و گرایش هائی که در ادوار گوناگون حکم فرما بوده و خوی و خلق و ویژگیهای رجال تاریخ و غیره آشنا می کند. در کتاب وی مقام شایسته ای به بزرگان ادب داده شده. (۳)

ابن اثیر با مهارت زاید الوصفی مطالب و مدارکی را که در دسترس داشته تنظیم نموده و تألیف سلف خویش (طبری) را تکمیل کرده. منابع وی در بسیاری از موارد عجلاله "برما مجهود است و در باره ای از موارد نیز امکان رسیدگی به دقت و صحت گفتار وی موجود و در مواردی که منابع وی مجهول است نیز به وی اعتماد می توان کرد از جمله تفصیل زد و خورد اعراب با چینیان در سال ۱۳۴، زد و خوردی که سرنوشت بخش عربی آسیای میانه را تعیین کرد، فقط در اثر ابن اثیر می یابیم. نه طبری و نه بطور کلی دیگر تألیفات تاریخی تازیان در این باره سخنی نگفته اند. تاریخ چینی سلاله تان نیز سخنان ابن اثیر را تأیید می کند. (۴)

ابن اثیر (۵۵۵-۶۲۸ هـ. ق) از لحاظ جامعیت بیش از همه به طبری نزدیک بوده، ولی از نظر بنا و برداشت کتاب و نوع و روش نگارش کاملاً از وی جدا می شد. روش وی در خصوص

۱- اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص ۲۲ و ۲۳.

۲- ابو سعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، بکوشش عبدالحی حبیبی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۴) مقدمه نفیسی.

۳- بارتولد، ترکستان نامه، ص ۳۵.

۴- همان مأخذ، ص ۳۷.

زمان مورد نظر ما گردآوری از کتب دیگران بوده، ولی برای برقرار ساختن تعادل بین روایات مختلفی که از نقل یکایک آنها خودداری می‌کند، می‌کوشد.

گزارشهای وی بر طبق سنوات تقسیم بندی و منظم گشته است، ولی غالباً "در پایان هر بخشی تفصیلی درباره چگونگی تصور خود از جریان حوادث تاریخی بدست می‌دهد. نسبت به ازمنه متقدم تا حد زیادی بر پایه طبری استوار ساخته، ولی گاهی نیز (مثلاً) راجع به تلافی عرب ها و چینی ها در سال ۱۳۳ هـ. ق) اطلاعاتی بدست می‌دهد که طبری ذکر نکرده است.

اهمیت اساسی ابن اثیر در مورد ازمنه‌ای است که طبری درباره آن یا اصلاً صحبت نکرده و یا ناقص گفته است و ابن اثیر از منابعی که اکنون از بین رفته‌اند مطالبی آورده است (از سال ۳۰۱ / ۳۰۲ به بعد) از ویژگیهای طبری و ابن اثیر و سایر مورخان بعدی تمایل به نگرش حوادث ازمنه نخستین اسلامی تحت لوای طرز اندیشه عباسی است که خدمات امویان مغلوب عباسیان را کم و بیش نادیده گرفته‌اند. کتاب وی دارای قالبی متشکل، تحریری کاملاً "سنجیده و روشن است."^(۱)



گذشته از کتابهای تاریخ، کتب مسالک و ممالک و جغرافیا و سفرنامه ها در راه شناخت بیشتر اوضاع ممالک و مردمان نیز مفید می‌باشند. در واقع اوضاع راههای ممالک و بلاد و احوال تجارت و ثروت خلائق و عباد در طی روزگاران گذشته جز از طریق مطالعه اینگونه مآخذ بدست نمی‌آید. در این کتب بمناسبت ذکر بلاد جای جای معلومات مفید دیگر نیز در باب اخلاق و آداب و عقاید و مذاهب و اصول معیشت مردم بدست می‌آید، بعلاوه در این کتابها که گاه نیز در باب پادشاهان و فرمانروایانی که بر آن بلاد حکومت داشته‌اند به مناسبت سخن در میان می‌آید و مراجعه بدین کتب غالباً "برای تصحیح و اصلاح مآخذ دیگر نیز مفید می‌افتد. در بین کتب جغرافیا نویسان قدیم اسلام آثاری هست که از آنها مخصوصاً "اطلاعات مفیدی در باب بلاد ایران در اوایل عهد خلافت بدست می‌آید و گاه معلوماتی نیز در باب خراج هریک از این بلاد در آنها هست. این جغرافیا نویسان اغلب به سیر و سیاحت در ممالک اسلامی پرداخته اند و از این لحاظ اطلاعاتی جالب بدست می‌دهند."^(۲)

۱۸- البلدان یعقوبی قدیمترین کتاب جغرافیای عربی است که بدست ما رسیده است. کتاب البلدان کامل و تمام بدست ما نرسیده است و قسمت مهمی از آن مربوط به بصره و عربستان مرکزی و هندوچین و بیزانس و ارمنستان و عواصم از میان رفته است.^(۳)

۱- اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص ۲۸- ۲۵.

۲- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۹۴. و نیز/ بارتولد، ترکستان نامه، ص ۴۴.

۳- احمد بن ابی یعقوب بن واضح الکاتب المعروف به الیعقوبی، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶) مقدمه مترجم.